

نقد گونه‌هایی از نکاح در فقه اهل سنت

(نکاح سری، نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات)

صدیقه حاتمی*

محسن کاظمی**، فرومن حیدر نژاد***

چکیده

اهل سنت نکاح موقراً تحریم نموده و صرفاً نکاح دائم را صحیح می‌داند، درحالی‌که گسترش بسترهای مراودات و ارتباطات و از سوی دیگر موانع و مشکلات نکاح دائم، سبب ایجاد نکاح‌های نوظهور و غیرعادی از جمله؛ نکاح سری، نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات شده است که از این میان نکاح سری از محبوبیت بیشتری برخوردار است. ظاهر این نکاح‌ها، عقد دائم و معمولاً با اسقاط برخی از حقوق زن به جهت بهرمندی موقت از وی می‌باشد. این نکاح‌ها در برخی موارد واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح و در برخی موارد فاقد برخی از این ارکان و شروط هستند. اما به هر حال ویژگی بارز هر کدام از آنها به ترتیب عدم اعلان، نیت ابتدایی زوج بر طلاق زوجه و مراد زوجهین فقط در شب یا فقط در روز است. این گونه‌های نکاح از یک طرف زمینه را برای بسیاری از مشکلات اجتماعی، قانونی و روحی - روانی زوجین و جامعه فراهم نموده است و از طرف دیگر رواج این نوع نکاح‌ها و فقدان نظری هماهنگ در خصوص ماهیت و مشروعیت آنها تحقیق و پژوهش در این راستا را می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: نکاح سری، نکاح به نیت طلاق، نکاح لیلیات و نهاریات، ارکان و شروط نکاح.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)،
hatamisedighe@yahoo.com

** مربی گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، Lawyer.Kazemim@yahoo.com

*** مربی گروه الهیات، دانشگاه پیام‌نور، دلفان لرستان، frooman114@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۶

۱. مقدمه

از نظر اسلام تنها راه روابط مشروع میان زن و مرد نکاح است و جز آن در هیچ عصر و شرایطی راه و رسمی دیگر را صحیح نمی‌شمارد و هدف از نکاح به صحنه زندگی آمدن نسلی پاک و جلوگیری از آمیخته شدن نسل، احترام به زنان و پیشگیری از نگاه ابزاری به زن که نشانه توحش و زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری‌ها، شیوع انواع بیماری و نابودی نسل بشری می‌گردد.

در جامعه کنونی در موارد بسیاری به دلایل مختلف افراد قادر بر نکاح دائم نیستند، از جمله هزینه‌های بالای نکاح دائم، نداشتن شغل و کسب و کار، مسافرت‌های طولانی و دوری از اهل و عیال، بیمار و یا باردار بودن همسر و بسیاری از موارد دیگر. این مشکلات به ویژه در عصر حاضر به شکل حادثی رخ نموده است. در این راستا فقه امامیه به نکاح موقت به عنوان یک راهکار جنبی و فرعی در مواقع ضرورت مشروعیت بخشیده است.

در فقه اهل سنت شاید به دلیل عدم پذیرش نکاح موقت، انواعی از نکاح از جمله: نکاح مسیار، نکاح عرفی، نکاح سری، نکاح به نیت طلاق، نکاح لیلیات و نهاریات، نکاح سیاحی، نکاح فندقی، نکاح صیفی، نکاح موسمی، نکاح مدنی و ... ایجاد شده است. اما آنچه که از نکاح‌های مذکور در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ نکاح سری، نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات است، چراکه بحث از تمامی این نکاح‌های غیر عادی و بعضاً نوظهور، بحث مفصلی است که در حجم یک مقاله نمی‌گنجد و مجالی دیگر - تدوین چندین مقاله و یا تدوین یک کتاب قطور - را می‌طلبد و از طرف دیگر در خصوص نکاح‌های غیر عادی دیگر کم و بیش مقالاتی نگاشته شده است، اما در خصوص این سه نوع نکاح پژوهشی انجام نشده است. لذا به دلیل رواج این نوع نکاح‌ها و مشکلات اجتماعی، قانونی، روحی - روانی ناشی از این نوع نکاح‌ها و از طرفی تشتت آراء فقهای اهل سنت در خصوص حکم شرعی آن‌ها، ما در این مقاله درصدد آنیم که تا حد امکان با بررسی و تفهیم کامل شرایط و ارکان این سه نوع نکاح، به کنکاش و تحلیل مشروعیت یا عدم مشروعیت آن‌ها پردازیم.

۲. ماهیت نکاح سرّی، نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات

۱.۲ ماهیت نکاح سرّی

سرّی بر گرفته از "سرّ"، جمع آن "اسرار" و به معنای پنهان کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۷/۴؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۱۱/۶) در این نوع نکاح زوجین و یا خصوصاً زوج نکاح را از مردم پنهان می‌کند، بدین جهت نکاح سرّی نامیده می‌شود.

درباره ماهیت این نکاح که به آن "زواج السرّ" نیز گفته می‌شود، تعریف واحدی ارائه نشده است، این تعاریف را می‌توان در چند دسته قرار داد: ۱- نکاحی است که در آن زوجه یا زوج یا هر دوی آن‌ها با شهود تبانی می‌کنند تا نکاح را از مردم یا گروهی خاص پنهان دارند. (زحیلی، ۱۹۳۲: ۱۱۰) ۲- عقدی است بین زوجین بدون حضور شهود و بدون اینکه اعلان شود. (جارحی، ۲۰۱۲: ۳۱۵/۱) ۳- نکاحی است که زوج با شهود تبانی می‌کند بر کتمان آن از همسر دیگرش و یا کتمان از گروهی اگر چه از اهالی خانواده. (دسوقی، بی تا: ۲۳۶/۲) ۴- نکاحی است فقط با حضور زوجین، بدون حضور ولی و شهود. (شاکر، ۱۹۹: ۳۲)

لذا از مجموع این تعاریف می‌توان چنین نتیجه گرفت که نکاح سرّی به چند صورت ممکن است منعقد شود: ۱- تبانی زوجین، ولی و شهود با هم بر کتمان نکاح ۲- تبانی زوجین و ولی با هم بر کتمان ۳- تبانی زوج با ولی بر کتمان ۴- تبانی زوجه با ولی بر کتمان ۵- تبانی ولی و شهود بر کتمان ۶- تبانی زوجین با شهود بر کتمان ۷- تبانی زوجه با شهود بر کتمان ۸- تبانی زوج با شهود بر کتمان ۹- تبانی زوج، ولی و شهود بر کتمان ۱۰- تبانی زوجه، ولی و شهود بر کتمان ۱۱- نکاح بدون اعلان و بدون حضور ولی ۱۲- نکاح بدون اعلان و بدون حضور شهود ۱۳- نکاح بدون اعلان و بدون حضور ولی و شهود

این نوع نکاح اخیراً در میان برخی از جوامع اهل سنت در حال گسترش است و رواج آن موجب نگرانی‌هایی گردیده است. (عبدالعظیم، ۲۰۰۲: ۱۲) ویژگی بارز این نوع نکاح، عدم اعلان است و ساختار آن از حیث مخفی بودن نظیر "نکاح مخادنه" (مخادنه مشتق از واژه "خدن" به معنای دوستی گزیدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳۹/۱۳) ارتباط برقرار کردن با جنس مخالف خارج از محدوده شرعی و با نیت ارضای میل جنسی را مخادنه می‌گویند که در عصر جاهلیت رواج داشته است. معمولاً این نوع نکاح به صورت پنهانی

صورت می گرفته و در برخی موارد زنانی علی رغم داشتن شوهر، مخفیانه دارای این ارتباط بودند. (ترمانینی، ۱۹۹۸: ۲۱) است.

۲.۲ ماهیت نکاح به نیت طلاق

از دیگر نکاح‌های رایج در میان اهل سنت، نکاح به نیت طلاق است، آن نکاحی است که در ظاهر تمام ارکان و شروط معتبر شرعی نکاح از منظر اهل سنت (ایجاب و قبول، اذن ولی، شاهدان و ...) را دارد، اما مرد هنگام انعقاد عقد نکاح، نیت طلاق دادن زن بعد از گذشت مدتی از زناشویی را دارد، خواه این مدت معلوم باشد، مثلاً بگوید یک سال بعد طلاق می‌دهم و خواه مدت مجهول باشد، مثلاً بگوید هر موقع مسافرتم تمام شد، طلاق می‌دهم. این نکاح به چند شکل ممکن است منعقد شود: مرد نیت طلاق را پنهان نماید و زوجه از این نیت آگاه نباشد و یا زوجه از نیت طلاق آگاه باشد و با هم بر این مسئله تراضی و توافق کرده باشند. (مطلق، ۲۰۰۶: ۴۰۴/۱ و ۴۰۵) این نوع نکاح در قالب نکاح دائم صورت می‌گیرد و دارای همه شرایط صحت نکاح است، جز اینکه طرفین بدون ذکر صریح شرط در عقد با هم تباہی می‌کنند که پس از انعقاد عقد و سپری شدن مدتی با طلاق از یکدیگر جدا شوند و یا ممکن است مرد این موضوع را با زوجه در میان نگذارد و کسی را از قصد واقعی خود مطلع نسازد و پس از مدتی زن را طلاق دهد.

این نوع نکاح از دیرباز در میان جوامع اهل سنت وجود داشته (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۴۸/۱۰) و هم اکنون نیز علی رغم گسترش نکاح‌هایی نظیر مسیاری و نکاح عرفی و سری در حال رواج است و معمولاً افرادی به این نوع نکاح متوسل می‌شوند که به دلایلی در سفر به سر می‌برند و به دلیل توقف کوتاه مدت و موقت خود و سایر شرایط نمی‌توانند و یا حاضر نیستند به عقد دائم عادی پایبند باشند. زوجین در این نکاح صیغه عقد دائم را جاری می‌سازند، در حالیکه قصد حقیقی آن‌ها جدایی و طلاق پس از مدت کوتاهی است. در حقیقت می‌توان گفت طرفین یا زوج به تنهایی از نظر قصد و اراده همان قصد نکاح موقت دارند، اما این موضوع را به زبان نمی‌آورند. با این تفاوت که در نکاح موقت مدتی دقیقاً در صیغه عقد نکاح واضح و صریحاً جاری می‌گردد و با توجه به همین صراحت عقد، زوجین از قصد یکدیگر مطلع می‌شوند و به این ترتیب خود را مقید به اصول و قواعد نکاح موقت می‌کنند.

۳.۲ ماهیت نکاح لیلیات و نهاریات

نهاریات برگرفته از "نهار" و لیلیات نیز برگرفته از "لیل" می باشد. لذا نکاح نهاریات و لیلیات به معنای نکاح روزانه و یا شبانه است. از این نوع نکاح که اخیراً در میان جوامع اهل سنت رواج یافته، (ابن عابدین، ۱۴۲۵: ۵۷/۳) تعاریفی توسط فقهای اهل سنت ارائه شده است، از جمله: نکاحی است که در متن عقد شرط شود که زوج فقط در شب یا فقط در روز نزد زوجه اش بیاید و یا شرط شود که زوجه فقط در شب یا فقط در روز نزد زوجش بیاید. (دردیر، بی تا: ۲۷۳/۲؛ ابن عابدین، ۱۴۲۵: ۵۷/۳) یا بدین صورت تعریف شده: «نکاحی است که مرد با زنی نکاح می کند که شب در خارج از منزل کار می کند و روز نزد شوهر می رود یا روز کار می کند و شب به منزل نزد شوهر می رود» (شعراوی، ۱۴۲۲: ۱۳۹) این نکاح در فرضی است که مرد علاوه بر زن اول با زن دیگری نکاح می کند، ولی اگر مردی تنها دارای یک زوجه باشد، اشکالی وجود ندارد که به دلیل اشتغال در شب، تنها روز نزد وی برود. (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۳۸/۷).

۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های سه نکاح؛ سری، به نیت طلاق، لیلیات و نهاریات

بین سه نکاح؛ سری، به نیت طلاق، لیلیات و نهاریات شباهت‌ها و تفاوت‌های به قرار ذیل وجود دارد:

۱.۳ وجوه شباهت

۱. بر هر سه نکاح - البته نکاح سری در صورت واجد بودن تمام ارکان و شروط صحت نکاح - تمام احکام نکاح شرعی چون؛ اثبات نسب، توارث و ... بار می شود.
۲. هر سه نکاح در بسیاری از اسباب شکل‌گیری مشترکند، از جمله؛ رغبت مرد به تمتع بیش از یک زن، ترس از بهم ریختگی کیان خانواده و ...
۳. هر سه نکاح به خاطر منافع مالی و معنوی مانند؛ ادب نمودن زوجه اول یا فراهم آوردن هزینه‌های معاش و ... در طبقات مختلف جامعه رخ می دهد، اگرچه نکاح به نیت طلاق و نکاح سری بیشتر در بین مسافران و دانشجویان منعقد می شود.
۴. در نکاح سری، مخفی نگه داشتن موضوع نکاح، مد نظر طرفین است و همین قضیه عموماً در نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات نیز به چشم می خورد.

۵. هر سه نکاح آسان و از جهت تکالیف کم تکلیف هستند و معمولاً زن نمی تواند به حقوقش دست یابد.
۶. هر سه نکاح غالباً به نیت موقت و عدم استمرار است و غالباً بخاطر ارضا میل جنسی می باشد و همچنین معمولاً شرط بر عدم فرزنددار شدن می شود.
۷. در هر سه نکاح غالباً با اتمام سفر یا حصول حاجت، عقد نکاح توسط زوج و یا با رضایت زوجین با طلاق منحل می شود. (بکر، ۱۹۹۸: ۱۶؛ مطلق، ۲۰۰۶: ۴۲۱/۱-۴۲۴ و ۴۴۲ و ۴۴۳).

۲.۳ وجوه افتراق

۱. نکاح سری اشکال مختلفی دارد؛ واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح و یا فاقد برخی از ارکان و شروط صحت نکاح. اما نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلی و نهاری فقط به یک صورت است. نکاح به نیت طلاق؛ نکاح واجد تمام ارکان و شروط اما با نیت طلاق دادن زوجه بعد از مدتی معین یا غیرمعین. نکاح لیلی و نهاری؛ نکاح واجد تمام ارکان و شروط صحت اما با قید وطی محدود.
۲. در نکاح سری و نکاح به نیت طلاق، مرد هر وقت بخواهد می تواند با زوجه نزدیکی نماید، برخلاف نکاح لیلی و نهاری که زوج فقط در روز یا فقط در شب، حق نزدیکی با زوجه را دارد.
۳. نکاح سری در عصر حاضر غالباً موافق با شرع نیست و ارکان آن ناقص است، لذا آثار و احکام نکاح نیز بر آن مترتب نمی شود. اما نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح است و آثار شرعی از نسب و نفقه و ... نیز بر آن مترتب می شود.
۴. میزان گسترش و رواج نکاح سری و نکاح به نیت طلاق بسیار زیاد است، درحالیکه گسترش و رواج نکاح لیلی و نهاری به نسبت کمتر و محدود است. (همان ها)

۴. مشروعیت نکاح سری، نکاح به نیت طلاق و نکاح لیلیات و نهاریات

۱.۴ مشروعیت نکاح سری

مشروعیت نکاح سری با توجه به تعاریفی که از آن ارائه شده است، متفاوت می باشد. چنانچه آن را مترادف با مخادنه بدانیم، چنین رابطه ای باطل و حرام است. در غیر این صورت، یعنی نکاحی که واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح باشد یا فاقد برخی از ارکان و شروط صحت باشد، حکم هر کدام به قرار ذیل متفاوت است:

أ: واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح

چنانچه نکاح سری را نکاحی بدانیم که دارای شرایط نکاح صحیح بوده اما به دلایلی به صورت مخفی و بدون اعلان منعقد می گردد، این عقد از نظر فقه امامیه مشکلی ندارد. چرا که در فقه امامیه اعلان نمودن صیغه عقد نکاح در زمره شروط صحت عقد نکاح احصاء نشده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۱۸/۷) البته نکاح مذکور به دلیل اینکه در بین شیعیان به رسمیت شناخته نشده است، فقهای امامیه متذکر آن نشده‌اند.

در فقه اهل سنت چنین نکاحی که واجد ارکان و شروط صحت می باشد، دو حالت برای آن متصور است: ۱- واجد تمام ارکان و شروط به همراه تبانی با شهود بر عدم اعلان ۲- واجد تمام ارکان و شروط بدون تبانی با شهود بر عدم اعلان.

مذاهب اهل سنت در خصوص نکاحی سری که واجد تمام ارکان و شروط صحت است و بر عدم اعلان آن تبانی شده باشد، اختلاف نظر دارند؛ بنابر نظریه مالکیه حتی با وجود اذن ولی، در صورتی که بر عدم اعلان تبانی شده باشد، عقد باطل است، زیرا مالکیه اعلان نکاح را واجب می دانند و معتقدند؛ تبانی زوجین و شهود بر پنهان نمودن امر نکاح موجب بطلان آن عقد می گردد و در تأیید رأی خود به احادیثی از پیامبر اکرم (ص) استناد نموده اند: "اعلنوا النکاح ولو بالدف"، "اعلنوا هذا النکاح و اضربوا علیه بالغریال"، "فصل بین الحلال و الحرام، الدف و الصوت فی النکاح" (ابن ماجه، ۲۰۱۰: ۳۳۸ و ۳۳۹) زیرا اعلان موجب تمییز نکاح از زنا که در خفا انجام می گردد، می شود، پس لازم است نکاح اعلان شود. (جزیری، ۱۴۱۹: ۲۸؛ زحیلی، ۱۹۳۲: ۷۷)

اما دیگر فرق اهل سنت چنین نکاحی را صحیح می دانند، زیرا از نظر آنان اعلان صیغه عقد نکاح مستحب است (ماوردی، ۱۹۹۴: ۵۶۶/۹؛ جزیری، ۱۴۱۹: ۲۸) و در زمره شروط

صحت نکاح بشمار نمی رود و از طرفی وجود دو شاهد در هنگام انعقاد نکاح، آن را از حالت پنهانی و سری خارج می کند و یا به عبارتی چنین نکاحی سری نیست، زیرا مقصود از شهود، اعلان نکاح است و راههای برای اعلان نکاح وجود دارد از جمله؛ ولیمه دادن، ضرب و دهل (دف)، شهود و ... لذا یکی از راههای اعلان نکاح، حضور شهود است. البته از نظر این فرق چنین نکاحی اگرچه صحیح و جایز است اما به دلیل اینکه سبب بی اعتمادی می شود، مکروه است. (شافعی قرشی، ۱۹۹۰: ۲۲/۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۳۵۲/۲؛ ابن همام، ۱۳۱۵: ۳۵۲/۲) ناگفته نماند برخی دیگر از فقهای اهل سنت چنین نکاحی را با وجود اینکه واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح هست، باطل می دانند. (شیبانی، بی تا: ۲۲۲/۳؛ دسوقی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷).

اما اگر بر عدم اعلان نکاح تبانی صورت نگرفته باشد، از نظر همه فرق حتی مالکیه اجماع بر صحت آن وجود دارد. (ابن عربی، ۱۹۹۸: ۷۰/۲؛ ابن قدامه، ۱۹۸۸: ۳۳/۲؛ ابن همام، ۱۳۱۵: ۳۵۲/۲)

اما بعد از مرور و بررسی دیدگاه فقهای اهل سنت، بنظر می رسد اگر نکاح سری واجد تمام شروط و ارکان صحت باشد، از نظر شرعی صحیح می باشد. زیرا ادله نکاح دائم و اطلاعات آیات و روایات، نکاح مذکور را شامل می شود، چرا که نکاحی است جامع همه شرایط و واجد صیغه عقد دائم و مهریه. همچنین اگر حضور شهود را هم لازم بدانند، شهود هم حاضرند، همچنین ادله ای که می گوید: «وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» یا «أَحِلَّ لِلَّهِ النِّكَاحُ وَ حَرَّمَ السَّفَاحُ وَ الزَّانَا» شامل این مورد نیز می شود.

اگر ایراد شود که؛ در چنین نکاحی اهداف و مقاصد شرع از نکاح عرفی محقق نمی شود، پس باطل است. زیرا مطابق با آیه^۱ و روایت پیامبر اکرم (ص)^۲ هدف نکاح؛ تولید مثل، آرامش و اطمینان بین زوج و زوجه که بر اساس مودت و رحمت باشد و برپایی زندگی همراه با آسایش است. در حالیکه در نکاح سری چنین مقاصد و اهدافی نیست و در بسیاری از موارد تولید نسل، مودت، رحمت و همکاری وجود ندارد، بلکه نگرانی، اضطراب، حسرت و پشیمانی وجود دارد. در جواب گفته می شود؛ بین علت و حکمت فرق است، حکم وجودا و عدما دائرمدار علت است نه حکمت. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۱۰/۲؛ بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۲/۵) و در اینجائاتناسل، آرامش و رحمت، حکمت نکاح می باشد نه علت آن. پس این دلیل بر بطلان نمی شود، چون اهداف شرع در غالب نکاحها هست و بعضی از آنها در نکاح سری نیست و این اشکالی ندارد. و یا اگر ایراد شود که لازمه این

نوع نکاح کتمان است در حالیکه شارع در مسأله نکاح نظر شاعلان است (مطابق قول مالکیه) پس این نکاح مخالف طبیعت نکاح است. جواب داده می‌شود که اعلان نیز جزء علتها نیست، بلکه حکمت است.

از طرفی نیز قول به بطلان این نکاح علاوه بر مخالفت با اصول فقهی و حقوقی (اصل صحت عقود و معاملات مقرر در ماده ۲۲۳ قانون مدنی و اصل رضایی بودن عقود. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۳۶) تبعات سنگینی بر روابط حقوقی و اجتماعی برخی افراد وارد خواهد آورد. زیرا خانواده‌های بسیاری نکاح خود را اعلان ننموده‌اند و اگر حکم به بطلان چنین نکاحی صادر نماییم، با نادیده گرفتن اصول، چندین خانواده را نابود کرده و به معضل بزرگتر دچار خواهیم شد. بنابراین قول راجح استحباب اعلان نکاح است، اگر چه نکاح مزبور در جهان معاصر مشکلاتی را به همراه دارد. از جمله این مشکلات؛ سقط جنین حاصل از این نکاح و در نتیجه ارتکاب قتل نفس توسط زوجین و یا زوجه در بسیاری از موارد، تضییع حقوق زوجه و فرزندان حاصل از این نکاح در بسیاری از موارد، بوجود آمدن آثار بد در جامعه و سوء استفاده فاحش از این نکاح، شبیه زنا بودن این نوع نکاح، اشاعه فحشا تحت پوشش نکاح و بسیاری از مفاسد دیگر. لذا مستحب است (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۵۰) به جهت دور کردن تهمت از زن و شوهر، نکاح از طریق ولیمه دادن، مطرح کردن بین اقوام و دوستان و همسایگان و ... اعلان شود.

ب: فاقده برخی از ارکان و شروط صحت نکاح

در صورتی که نکاح سری، فاقد برخی از ارکان و شروط نکاح باشد، در خصوص مشروعیت آن بین فرق اهل سنت اختلافاتی وجود دارد. حالات و حکم شرعی نکاح سری فاقد برخی از ارکان و شروط صحت، از این قرارند:

عدم اذن ولی و عدم اعلان: در صورتی که انعقاد نکاح سری با حضور شهود اما بدون اذن ولی باشد، همه مذاهب اهل سنت جزء حنفیه، آن را باطل و در حکم "سفاح" می‌دانند. اما در مذهب حنفی چنین نکاحی صحیح می‌باشد، زیرا از نظر ایشان اذن ولی شرط صحت نکاح زن عاقل بالغ نمی‌باشد، خواه باکره و خواه بیوه، البته در صورتی که زوج هم شأن وی باشد و همچنین مهریه وی کمتر از مهرالمثل نباشد. در غیر این دو صورت، ولی می‌تواند تقاضای فسخ نکاح را نماید. (بکر، ۱۹۹۸: ۱۷؛ عبدالعظیم، ۲۰۰۲: ۵۲) ایشان معتقدند؛ اصل بر این است که هر کس که در امور مالی خویش مستقل باشد، در امر نکاح

نیز مستقل خواهد بود و احادیثی که سایر مذاهب اهل سنت برای اذن ولی در نکاح باکره به آن استناد نموده اند را ضعیف می دانند. (ابن نجیم، بی تا: ۱۱۷/۳)

عدم شهود و عدم اعلان: در صورت انعقاد نکاح بدون اشهداد از نظر حنفیه، شافعیه و حنابله چنین نکاحی باطل است، خواه اعلان صورت گرفته باشد و خواه بدون اعلان باشد. زیرا ایشان اشهداد را از ارکان صحت نکاح می دانند اما اعلان را از شرایط صحت نکاح نمی دانند و نکاح بدون اشهداد در حکم سفاح می دانند. (ابن تیمیه، ۱۹۹۷: ۱۵۸/۳۳؛ جارحی، ۲۰۱۲: ۸۴) اما مالکیه حضور دو شاهد را هنگام انعقاد عقد مستحب و هنگام مقاربت و نزدیکی واجب می دانند. (دردیر، بی تا: ۲/ص ۲۱۶) بنابراین از نظر ایشان در صورتی که بر انعقاد نکاح، شهود موجود نباشد و هنگام مقاربت شهود حاضر باشند و نکاح اعلان نیز شده باشد، نکاح صحیح است. اما اگر نکاح بدون اعلان باشد، نکاح باطل است. زیرا از نظر آنان اعلان واجب است چه بر انعقاد نکاح شهود حضور داشته باشد و چه نه. (ابن تیمیه، ۱۹۹۷: ۱۵۸/۳۳؛ عاصمی نجدی، ۲۰۰۸: ۲۷۸/۶)

عدم اذن ولی، عدم شهود و عدم اعلان: در صورت انعقاد نکاح بدون اذن ولی و شهود و بدون اعلان، تکلیف این نوع نکاح روشن است که بطلان است، زیرا علاوه بر عدم اذن ولی، شهود که از شرایط صحت عقد نکاح از نظر اهل سنت می باشد، در کار نیست، لذا به اجماع فقهای اهل سنت نکاح باطل می باشد. (جزیری، ۱۴۱۹: ۲۸؛ جارحی، ۲۰۱۲: ۸۴/۱)

۲.۴ مشروعیت نکاح به نیت طلاق

فقهای اهل سنت در خصوص مشروعیت نکاح به نیت طلاق اختلاف نظر دارند، برخی آن را صحیح و جایز، برخی نیز آن را حرام می دانند.

قول اول: این نکاح از نظر جمهور فقهای مالکیه، شافعیه و حنفیه و نظری از حنابله صحیح و جایز است، اگرچه از نظر برخی از این علما عملی مکروه و غیر اخلاقی است. ابن قدامه ادعای اجماع بر صحت نکاح به نیت طلاق نموده است. (ماوردی، ۱۹۹۴: ۴۵۷/۱۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۴۸/۱۰) طرفداران این قول به ادله زیر استناد نموده اند:

۱. این نکاح واجد تمام ارکان و شروط معتبر شرعی است و نیت طلاق دادن زوجه، امری جدا است که ضرری به نکاح نمی رساند و از طرفی این طلاق احتمالی است، چرا که ممکن است زوج نظرش عوض شده و زوجه را نگه دارد. (همان ها)

اگر از این دلیل ایراد شود؛ اینکه هر عقدی که ارکان و شروط آن کامل باشد به معنای جواز انعقاد آن نیست، همانند نکاح تحلیل، علی‌رغم اینکه ارکان و شروط آن کامل است، اما اگر صرفاً به قصد حلال نمودن زن به شوهر نخست باشد، مشهور علمای امامیه و اهل تسنن قائل به بطلان آن هستند، زیرا در نکاح تحلیل قصد عاقد با واقعیت متفاوت است. (طبرانی، بی تا: ۲۹۹/۱۷؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۴۷/۴) به این ایراد جواب داده شده که مرد در نکاح به نیت طلاق، قصد نکاح دارد، بر خلاف محلل که در آن مرد قصد نکاح واقعی ندارد، بلکه قصد تحلیل زن برای زوج سابق را دارد. (ابن تیمیه، ۱۹۹۷: ۹/۳۲)

۲. نکاح به نیت طلاق کاملاً با عقد موقت مختلف است. در نکاح موقت هنگام رسیدن مدت، نکاح تمام می‌شود و هیچ کدام از زوجین اختیار استمرار نکاح را ندارند. اما در نکاح به نیت طلاق مرد اختیار استمرار نکاح را تا هر زمانی که بخواهد دارد، زیرا اصل در اشیاء اباحه است تا زمانی که بر آن تحریم وارد شود. و از طرفی در نکاح موقت، مدت دقیقاً در عقد ذکر می‌شود و همین امر موجب بطلان می‌گردد، اما در نکاح به نیت طلاق اجل و مهلت صریحاً ذکر نمی‌شود، بلکه طلاق با انقضای غرض مسافر همراه است. (همان)

قول دوم: برخی از فقهای اهل سنت از جمله برخی از حنابله قائل به حرمت و بطلان نکاح به نیت طلاق شده‌اند. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۲۹/۵؛ بهوتی حنبلی، ۲۰۱۰: ۴۰۶) دلایلی که از لابلائی کلمات این گروه از فقها آمده از قرار ذیلند:

۱. این نوع عقد شبیه عقد موقت است و شبیه یک شیء حکم آن شیء را دارد، پس همانگونه که نکاح موقت حرام است، نکاح به نیت طلاق نیز حرام است. (همان‌ها)
جواب از این ایراد در بیان از ادله قول اول ذکر شد.

۲. اصل در نکاح، دوام است و دوام شرط صحت عقد نکاح می‌باشد، لذا شرط موقت منافای دوام نکاح است و نیت موقت در منع آن کافی است (همان‌ها).

این دلیل نیز قابل مناقشه است، زیرا؛ در نکاح به نیت طلاق چه بسا نظر زوج و یا زوجین عوض شود و نکاح دوام داشته باشد و شرط دوام که اصل نکاح است، محقق باشد.

۳. پنهان نمودن نیت طلاق از زوجه و خانواده اش خدعه و خیانت و فریب است. (ابن عثیمین، ۲۰۱۰: ۴۸)

این دلیل مناقشه می‌شود به اینکه؛ نکاح به نیت طلاق در بسیاری از موارد با توافق زوجین صورت می‌گیرد و دیگر خدعه‌ای در کار نیست، لذا این دلیل شامل تمام صورت‌های این نکاح نمی‌شود و دلیل اخص از مدعا است.

۴. این نکاح شبیه زنا است تا زمانی که نیت بر عدم استمرار نکاح را دارد (سهلی، ۱۴۲۲ق، ۲۰۰۱: ۵۰).

این دلیل نیز قابل مناقشه است. زیرا زنا عمل مجرمانه بدون ارکان و شرایط صحت نکاح است، درحالی‌که نکاح به نیت طلاق واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح است و اختلاف در صحت و عدم صحت آن به جهت نیت طلاق موجود در این نوع عقد است.

۵. این نکاح در آن مفسده و به جهت شهوت واقع می‌شود. (همان: ۵۰)

اما گفته می‌شود که این مفسد و شهوات چه بسا در نکاح عادی و رسمی نیز باشد، ولی نکاح صحیح است و مرد زمانی که ترس از وقوع زنا دارد نکاح به نیت طلاق را جایگزین زنا قرار می‌دهد و مانعی ندارد که گفته شود این نکاح صحیح است.

۶. عدم تبعیت واقع از قصد: چنین نکاحی به نیت موقت و طلاق بعد از مدتی است، درحالی‌که آنچه واقع می‌شود نکاح دائم است که مستمر و دائم می‌باشد، بنابراین واقع از قصد تبعیت نموده است. ما وقع لم يقصد و ما قصد لم يقع. همانگونه که نکاح تحلیل را به دلیل اینکه در آن قصد عاقد با واقعیت متفاوت است، باطل می‌دانند. (همان)

اما پس از مرور و نقد و بررسی ادله موافقین و مخالفین نکاح به نیت طلاق، به نظر می‌رسد این نکاح نیز صحیح و جایز باشد، زیرا این نوع نکاح واجد تمام ارکان و شروط صحت عقد نکاح هم از جانب اهل تسنن و هم از جانب اهل تشیع می‌باشد و اگرچه زوجین و یا زوج نیت طلاق دارد، این نیت صریحاً در عقدنامه ذکر نشده است. از طرف دیگر در اینجا بین داعی و انشاء عقد تفاوت است و معیار در صحت عقود، قصدی است که در حال انشا دارد و داعی یا انگیزه که در واقع جهت و هدف غیرمستقیم عقد است، دخیل نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ۲۶/۵). همانگونه که در ماده ۱۹۱ قانون مدنی - «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند» - شرط تحقق عقد را منوط به قصد انشاء نموده نه داعی. در نکاح به نیت طلاق نیز زوج قصدش این است که نکاح دائم باشد ولی داعی آن این است که مثلاً یک ماه بعد که تحصیلاتش تمام شد او را طلاق دهد و این مانعیتی ندارد، اگر چه این عمل از نظر اخلاقی کار

ناپسندی است. لذا چنین نکاحی بنظر صحیح می باشد و احکام نکاح دائم از نفقه، مهریه، مسکن و ... بر آن بار می شود.

اما در صورتی که در این نوع نکاح، نیت طلاق یک جانبه و فقط از جانب زوج باشد و آن را از زوجه یا ولی کتمان نماید، واضح است که فریب و تدلیس محسوب می شود. لذا با توجه به اهمیت خانواده در جامعه و تأثیر بسزای آن در اجتماع و زیان قابل ملاحظه‌ای که از آن به زن و خانواده و جامعه می‌رسد، بر حاکم اسلامی است که به منظور جلب منفعت یا دفع ضرر در صورت فریب و تدلیس در امر نکاح، چنین عملی را جرم انگاری نموده و ضمانت اجرایی مدنی و کیفری برای آن وضع نماید. همانگونه که قانونگذار در قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۲۸ برای فریب خورده در امر نکاح، حق فسخ قرار داده است. این ماده مقرر می‌نماید: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود. خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد».

می‌توان از همین ماده قانونی نیز به نوعی برای موضوع بحث یعنی نیت ابتدایی زوج بر طلاق در نکاح استفاده نمود. توضیح آنکه می‌توان تعهد به حفظ خانواده و پایداری آن را صفتی برای زوج و زوجه دانست. به عبارتی هر یک از زوجین این صفت بنایی را بر دیگری حمل می‌نماید که قصد طرف مقابل بر آن است که این نکاح را برای همیشه و دائمی می‌داند و حتی به طور معمول کسی حاضر به نکاح با شخصی که چنین وصفی را ندارد، نخواهد بود. اگرچه اثبات فقدان این صفت دشوار است، اما اثبات آن به طرق مختلف و بر اساس دلایل، قراین و امارات چون؛ شهادت شهود عادل مبنی بر اقرار زوج به قصد ابتدائی وی بر طلاق، عدم ادای سوگند توسط زوج و ادای آن توسط زوجه و .. ممکن است.

همچنین در ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی برای فریب دهنده مجازات تعزیر وضع نموده است. این ماده مقرر می‌نماید: «چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد نکاح طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب این عمل به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌گردد». نکاح به نیت طلاق را نیز می‌توان از مصداق همین ماده دانست. فریب دادن در نکاح به نیت طلاق اگر چه جنبه درونی داشته و به راحتی مثال‌های مندرج در این ماده که همگی مصداق‌هایی ظاهری از

فریب هستند قابلیت اثبات را ندارد. اما موارد بیان شده در این ماده حصری نبوده و قید از قبیل نشان می‌دهد که هر موضوعی که بر عنوان واهی بودن و قصد فریب را داشته باشد مصداق این ماده است. قانون‌گذار به جهت سهولت فهم و نیز به دلیل دشواری بیان دقیق مصداق درونی، مصداق ظاهری را بیان نموده است. به همین جهت دو بار از کلمات «از قبیل» و «امثال آن» استفاده نموده است تا تاکید نماید که عوامل بسیار دیگری می‌تواند مشمول این ماده قرار گیرد. به نظر می‌رسد این نظر تفسیر موسع نیز نمی‌باشد تا با تفسیر مضیق قوانین جزایی تعارضی داشته باشد.

۳.۴ مشروعیت نکاح نهاریات و لیلیات

پیرامون مشروعیت این نکاحیان فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را صحیح، برخی باطل و برخی نیز قائل به تفصیل شده‌اند. این اقوال از قرار ذیلند:

۱. مشهور علمای اهل سنت قائل به صحت چنین نکاحی شده‌اند. زیرا این نکاح واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح از جمله: ایجاب و قبول، اذن ولی، دو شاهد، مهریه، اعلان است. اما شرط مذکور در نکاح (وطی محدود) فاسد است و الزام آور نیست، زیرا چنین شرطی منافی با مقتضای عقد است و شرط نفساً فاسد است و عقد صحیح باقی می‌ماند و زوجیت با آن منعقد می‌شود و تمام احکام زوجیت شرعی بر آن بار می‌شود. بنابراین شرط زائد بر عقد است و انعقاد عقد با شروط فاسط جایز است، اما شرط ساقط می‌شود و وفا به آن واجب نیست و زوج ملزم به شرط نمی‌شود و همچنین زن می‌تواند از مرد طلب میبت نماید و بر اوست که تا حد توان میبت را برای زوجه فراهم آورد. (حصکفی، ۱۳۶۸: ۵۷۷/۳؛ ابن عابدین، ۱۴۲۵: ۵۷/۳؛ سابق، ۱۹۸۸: ۳۵/۲)

۲. برخی نیز قائل به بطلان چنین نکاحی شده‌اند و استدلال آنان چنین است که؛ این نوع نکاح در سرزمین‌های اسلامی در زمان پیامبر (ص) و خلفا رایج نبوده، لذا این نکاح شرعی نمی‌باشد. (مروزی، بی تا: ۹۳/۱)

۳. برخی از فقها نیز در خصوص صحت یا عدم صحت این نکاح قائل به تفصیل شده‌اند. بدین صورت که؛ چنین شرطی فاسد است، اما عقد اگر دخول صورت نگرفته باشد، فسخ می‌شود و در صورت دخول، عقد ثابت می‌شود و برای زن مهر المثل است و شرط ساقط می‌شود. (دردیر، بی تا: ۲۳۷/۲ و ۲۳۸)

۴. برخی از فقها نیز به شکل دیگری قائل به تفصیل شده اند، بدین شکل که؛ شرط منافی با مقصود اصلی نکاح است، لذا فاسد است، ولیکن این شرط عقد را باطل نمی کند، خصوصاً اگر شرط از جانب مرد باشد، نکاح صحیح است، زیرا زوجمالک حق مبیت و وطی است، لذا می تواند در مورد آن شرط بگذارد. اما اگر شرط از جانب زوجه باشد، زوجیت باطل می شود، زیرا مرد را از حقش (وطی) منع کرده است. (شریبینی، ۱۹۹۷: ۲۹۹/۳ و ۳۰۰)

۵. نتیجه گیری

با بررسی های انجام گرفته در این پژوهش روشن شد که؛

۱. نکاح سری اشکال متفاوتی دارد. اگر واجد تمام ارکان و شروط صحت نکاح باشد و بر عدم اعلان آن تبانی شده باشد، بنا بر نظر مالکیه عقد باطل است. اما دیگر فرق اهل سنت آن را صحیح می دانند، و اگر بر عدم اعلان نکاح تبانی صورت نگرفته باشد، از نظر همه فرق حتی مالکیه چنین نکاحی صحیح است. اگرچه برخی این نوع نکاح در هر صورت باطل می دانند. اما بنظر می رسد چنین نکاحیاز نظر شرعی صحیح باشد. زیرا ادله نکاح دائم و اطلاعات آیات و روایات، نکاح مذکور را شامل می شود و قول به بطلان این نکاح علاوه بر مخالفت با اصول فقهی و حقوقی تبعات سنگینی بر روابط حقوقی و اجتماعی برخی افراد وارد خواهد آورد.

و در صورتی که نکاح سری، فاقد برخی از ارکان و شروط نکاح باشد؛ اگر بدون اذن ولی باشد، همه مذاهب اهل سنت جزء حنفیه، آن را باطل می دانند. و در صورت انعقاد نکاح بدون حضور شهود از نظر حنفیه، شافعیه و حنابله چنین نکاحی باطل است اما از نظر مالکیه اگر نکاح بدون اعلان باشد، باطل است. خواه شهود حاضر باشند و خواه حاضر نباشند و در صورت انعقاد نکاح بدون اذن ولی و شهود و بدون اعلان، نکاح باطل است.

۲. فقهای اهل سنت در خصوص مشروعیت نکاح به نیت طلاق دو دیدگاه ارائه کرده اند؛ (أ) این نکاح از نظر جمهور فقهای مالکیه، شافعیه و حنفیه و نظری از حنابله صحیح و جایز است. (ب) برخی از فقهای اهل سنت قائل به حرمت و بطلان آن شده اند. اما به نظر می رسد این نکاح نیز صحیح و جایز باشد، زیرا این نوع نکاح واجد تمام ارکان و شروط صحت عقد نکاح می باشد و نیت طلاق صریحاً در عقد ذکر نشده است و از طرف دیگر معیار در صحت عقود قصدی است که طرفین در حال انشا دارند و داعی دخیل

نیست. اگرچه در صورتی که نیت طلاق فقط از جانب زوج باشد و آن را از زوجه یا ولی کتمان نماید، واضح است که فریب و تدلیس محسوب می‌شود و بر حاکم اسلامی است که چنین عملی را جرم انگاری نموده و ضمانت اجرایی مدنی و کیفری برای آن وضع نماید.

۳. فقهای اهل سنت پیرامون نکاح لیلیات و نهاریات چهار دیدگاه دارند؛ الف) مشهور علمای اهل سنت قائل به صحت چنین نکاحی شده‌اند. شرط منافی با مقتضای عقد است و نفساً فاسد است و عقد صحیح باقی می‌ماند. ب) برخی نیز قائل به بطلان چنین نکاحی شده‌اند. ج) برخی قائل به تفصیل شده‌اند، بدین صورت که؛ شرط فاسد است، اما عقد در صورت دخول ثابت می‌شود و در صورت عدم دخول، فسخ می‌شود. د) برخی از فقها نیز به شکل دیگری قائل به تفصیل شده‌اند، بدین شکل که؛ شرط فاسد است و اگر شرط از جانب مرد باشد، نکاح صحیح است، اما اگر از جانب زوجه باشد، زوجیت باطل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ" (روم: ۲۱) ترجمه: و از نشانه‌های او اینکه از اینک از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

۲. روایت: "تناكحوا تكثيروا، فإني إباهي بكم الامم يوم القيامة و لو بالسقط" (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۲۰/۱۰۳، روایت ۲۴) ترجمه: نکاح کنید و فرزند بیاورید که در روز قیامت میان ملت‌ها به شما افتخار می‌کنیم گرچه بچه سقط شده باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۹۹۸م)، *التبیس فی شرح موطأ مالک بن انس*، بیروت: دارالکتب علمیه.
- ابن همام، کمال الدین محمد بن عبد الواحد (۱۳۱۵)، *شرح فتح القدير*، مصر: انتشارات امیریه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۹۹۷م)، *مجموع الفتاوی*، مصر: دار الوفاء.
- ابن عابدین، محمد امین (۱۴۳۵ق)، *حاشیه ی رد المختار*، بیروت: دارالفکر.
- ابن عثیمین، فضیله الشیخ محمد (۲۰۱۰م)، *مجموعه الفتاوی*، بیروت: دارالوطن.

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعنى، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۸۸)، الكافي في فقه الامام احمد بن حنبل، بیروت: مکتب اسلامی.
- ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد قزوینی (۲۰۱۰م)، سنن، بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: نشر دار صادر.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (۱۹۸۰م)، الاشباه والنظائر، قاهره: دار الهلال.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بکر، محمود (۱۹۹۸م)، زواج المسیار، ارتباط غیر کامل تبجیه الضروره، مجله التصوف الاسلامی، ش ۶.
- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس بن ادیس (۲۰۱۰م)، الروض المربع شرح زاد المستقنع، دارالموید.
- تزمانینی، عبدالاسلام (۱۹۹۸م)، الزواج عند العرب فی الجاهلیه والاسلام، کویت: نشر عالم المعرفه.
- جارحی، عبد رب النبی علی (۲۰۱۲م)، الزواج العرفی المشکله والحل والزواج السری ونکاح المتعة والزواج العرفی عند المسيحية و زواج المسیار، بیروت: دار الروضة للنشر والتوزیع.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: نشر دارالتقلین.
- حصکفی، علاء الدین (۱۳۶۸)، حاشیه ابن عابدین، قاهره: مطبعة البابی الحلبي.
- دریدر، احمد بن محمد (بی تا)، الشرح الكبير علی حاشیه الدسوقي، بیروت: دارالفکر.
- دسوقی، شمس الدین محمد عرفه (بی تا)، حاشیه الدسوقي علی الشرح الكبير، قاهره: انتشارات زهران.
- زحیلی، وهبه (۱۳۸۲)، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان: تهران.
- زحیلی، وهبه (۱۹۳۲م) قضايا الفقه و الفكر المعاصر، دمشق: دارالفکر.
- زرکشی، شمس الدین محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی، مکتبه العبيکان.
- سابق، سید (۱۹۸۸م)، فقه السنه، بیروت: دارالفکر.
- سهلی، أحمد بن موسی (۱۴۲۲ق)، الزواج بنیة الطلاق، طائف: مکتبه دار البیان الحدیثه.
- شافعیقرشی، محمد بن إدیس (۱۹۹۰م)، الأم، بیروت: دارالمعرفة.
- شاکر، محمد فؤاد (۱۹۹۷م)، زواج باطل، بیروت: مکتب اولاد الشیخ للتراث.
- شرینی، محمد خطیب (۱۹۹۷م)، مغنی المحتاج، بیروت: دارالمعرفة.
- شعراوی، محمد متولی (۱۴۲۲ق)، احکام الاسرة و البيت المسلم، بیروت، المکتبه العصرية.
- شیبانی، أبو عبدالله محمد بن حسن (بی تا)، الحجته، بیروت: دار النشر عالم الكتاب.
- طبرانی، حافظ ابی قاسم سلیمان بن احمد (بی تا)، الكبير، قاهره: دارالاحیاء تراث اسلامی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.

- عاصمی نجدی، عبد الرحمن بن محمد بن قاسم (٢٠٠٨م)، حاشیة الروض المربع شرح زاد المستقنع، بی‌جا.
عبد العظیم، سعید (٢٠٠٢م)، الزواج العرفی، انتشارات دار الایمان.
علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤٢٠ق)، تحریر الاحکام شرعیہ علی مذهب امامیہ، قم: موسسه امام صادق (ع).
علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٣ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
کاتوزیان، ناصر (١٣٧٥)، حقوق مدنی خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن جیب (١٩٩٤م)، الحاوی الکبیر، بیروت: دار الفکر.
مکارم شیرازی، ناصر (٢٢٢٤ق)، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
مروزی، ابراهیم (بی تا)، طبقات الحنابلہ، بیروت: دارالمعرفه.
مطلق، عبد الملک بن یوسف (٢٠٠٦م)، الزواج العرفی داخل المملکت العربیة السعودیة وخارجها دراسة فقهیة و اجتماعیة تقدیة، دار العاسمة، بی‌جا.
واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی (١٤١٤ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.